

تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان

تألیف: فرزاد جهان‌بین

۱۳۹۱

سرشناسه: جهان‌بین، فرزاد، ۱۳۵۸-
عنوان و پدیدآورنده: تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان/ تألیف فرزاد جهان‌بین
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۵۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع: روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع: شیعه -- ایران -- روحانیت
موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۳۰ -- روحانیت
موضوع: ایران -- انقلاب مشروطه، ۱۳۳۴-۱۳۳۷ ق. -- روحانیت
موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. -- روحانیت
شابک افزوده: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
مبند: کنگره: ۵۵/۲۸۸ ج ۳ ۱۳۹۱
زبان: دیوبی: ۲۹۷/۹۹۶
ماره کتابشناسی ملی: ۲۹۶۴۹۰۵

تحلیلی بر مواضع سیاسی علمای شیعه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

تهران، خیابان ولی‌عصر، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نیشابوران، شماره ۱۵

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵ تلفن: ۲۲۰۰۳۴۶۹ دورنگار: ۲۲۰۰۹۶

پست الکترونیکی: info@iichs.org نشانی وب: <http://www.iichs.org>

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

نویسنده: فرزاد جهان‌بین (عضوهیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی)

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

طرح روی جلد: روشنگ مافی

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۵۰-۱

کلیه حقوق این اثر متعلق است به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

مرکز توزیع: نمایشگاه و فروشگاه سرای تاریخ

آدرس: تهران، خیابان ولی‌عصر، خیابان شهید فیاضی (فرشته)، نرسیده به میدان فرشته پلاک ۱۱

تلفکس: ۲۲۶۰۵۰۷۳ پست الکترونیکی: Kazemzadeh1380@yahoo.com

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات پیام عدالت



فهرست مطالب

مقدمه	۸-۱
مقدمه مؤلف	۱۰-۹
فصل اول: بررسی مواضع سیاسی علمای شیعه در قبال حکومت از آغاز غیبت کبری تا نخستین انتخابات عدالتخانه	۴۴-۱۱
اصل ثابت اعتقاد	۱۳
مقتضیات زمان	۱۶
عوامل همکاری با حکومت و حکومت	۱۶
در اقلیت بودن شیعیان و ترس ناشی از حکومت ستمگران و تلاش برای اقامه حدود الهی مع الاکان	۱۶
تقویت حکومت شیعی	۱۹
تهدیدات خارجی و پدیده استعمار	۲۵
مقابله با عقاید و مکاتب و مذاهب اعدای شیعی	۲۹
عوامل تشدید تضاد علما و حکومت از اواخر حکومت فتحعلی شاه	
تا آغاز نهضت عدالتخانه	۳۵
افزایش ظلم و تعدی حکام	۳۵
افزایش روزافزون نفوذ بیگانگان و به تاراج رفتن سرمایه های کشور	۳۷
جنبش تحریم تنباکو، جنبشی ضداستعماری یا ضد استبدادی؟	۴۱
سه نکته در باب جنبش تحریم تنباکو	۴۱
فصل دوم: بررسی مواضع سیاسی علما از آغاز نهضت عدالتخانه تا استقرار مجلس مشروطه	۶۳-۴۵
واقعۀ بالماسکه؛ بهانه انقلابی بزرگ	۴۵
ادامه رویاروییها؛ مهاجرت صفری	۴۷

۴۷	 پیوستن شیخ فضل الله به جمع معترضین
۴۸	 مهاجرت کبری؛ قیام جمعی و بزرگ علما در برابر حکومت
۴۹	 جمعی از مردم تهران در سفارت انگلستان
۵۰	 انقلاب به ثمر می‌نشیند
۵۱	 افتتاح مجلس و تدوین نظامنامه، آغاز اختلافات
۵۲	 عدالتخانه و تحدید استبداد؛ خواسته اصلی علما
فصل سوم: بررسی مواضع سیاسی علمای شیعه در قبال حکومت از استقرار	
۱۳۴-۶۵	 مجلس مشروطه تا پایان استبداد صغیر
۶۷	 مجلس و قانونگذاری از دیدگاه علمای مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه
۶۷	 مشروطه‌خواهان
۶۷	 آیت الله شیخ فضل الله نوری
۷۳	 محمد حسین بن علی اکبر تبریزی
۷۵	 شیخ ابوالحسن نجفی مرندی
۷۶	 آیت الله محمد کاظم یزدی
۷۶	 مشروطه‌خواهان
۷۶	 مراجع نجف
۷۸	 محمد حسین نایینی
۷۹	 سید عبدالحسین موسوی لای
۸۱	 شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی
۸۳	 میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی
۸۴	 آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی
۸۶	 «آزادی» از دیدگاه علمای مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه
۸۶	 مشروعه‌خواهان
۸۶	 آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری
۸۸	 میرزا حسن مجتهد تبریزی
۸۷	 محمد حسین بن علی اکبر تبریزی
۸۹	 ابوالحسن نجفی مرندی
۹۰	 مشروطه‌خواهان
۹۰	 محمد حسین نایینی
۹۲	 شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی
۹۳	 آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

۹۴	 میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی
۹۵	 برابری و مساوات از دیدگاه علمای مشروعه خواه و مشروطه خواه
۹۵	 مشروعه خواهان
۹۵	 آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری
۹۶	 ابوالحسن نجفی مرنندی
۹۷	 مشروطه خواهان
۹۷	 محمدحسین نائینی
۹۸	 شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی
۹۹	 آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی
۱۰۰	 میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی
۱۰۰	 استنباط و عدالت مشروعه خواه و مشروطه خواه
۱۰۱	 مشروعه خواهان
۱۰۱	 آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری
۱۰۴	 محمد حسین بن علی اکبر تبریزی
۱۰۵	 ابوالحسن نجفی مرنندی
۱۰۶	 مشروطه خواهان
۱۰۶	 مراجع ثلاث
۱۰۶	 آیت الله محمد حسین نائینی
۱۰۸	 آیت الله سید عبدالحسین موسوی
۱۰۹	 شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی
۱۱۰	 آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی
۱۱۲	 حکومت مشروطه از دیدگاه علمای مشروعه خواه و مشروطه خواه
۱۱۲	 مشروعه خواهان
۱۱۲	 آیت الله حاج شیخ فضل الله نوری
۱۱۴	 محمد حسین بن علی اکبر تبریزی
۱۱۷	 شیخ ابوالحسن نجفی مرنندی
۱۱۸	 مشروطه خواهان
۱۱۸	 مراجع ثلاث
۱۱۹	 شیخ محمد اسماعیل محلاتی غروی
۱۲۱	 آیت الله سید عبدالحسین موسوی لاری
۱۲۱	 آیت الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

۱۲۳	میرزا علی ثقة الاسلام تبریزی
۱۲۶	علمای بیطرف
۱۲۶	آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی
۱۲۸	آیت الله محمدتقی شیرازی
۱۳۱	جمع بندی

فصل چهارم: بررسی مواضع سیاسی علما در قبال حکومت در دوره

۱۳۵-۱۶۱	مشروطه دوم
۱۳۶	الف. حکومت مشروطه و اصول مشروطه
۱۳۷	حفظ استقلال کشور و قطع دست بیگانگان
۱۴۱	تجدید ظلم و استبداد
۱۴۱	حکومت مشروطه و استبداد سابق
۱۴۲	حکومت مشروطه و استبداد جدید
۱۴۵	حفظ اساس اسلام و اجرای احکام الهی
۱۴۸	حکومت مشروطه و حاکمیت
۱۴۹	حکومت مشروطه و سید عبدالله بهبهانی
۱۵۲	حکومت مشروطه و سید محمد طباطبائی
۱۵۳	حکومت مشروطه و راجع نجف
۱۵۵	حکومت مشروطه و میرزای نائینی
۱۵۷	حکومت مشروطه و سید عبدالحسین لاری
۱۵۸	حکومت مشروطه و آقا نورالله و آیت نجف صفهانی
۱۵۹	جمع بندی

فصل پنجم: بررسی علل اختلاف مواضع علما در قبال حکومت از استقرار

۱۶۳-۱۸۷	مشروطه تا پایان استبداد صغیر
۱۶۴	اختلاف در مبانی
۱۶۴	اختلاف در فهم دین
۱۶۸	اختلاف در نظام سیاسی مطلوب
۱۷۳	اختلاف در مشرب اصولی
۱۷۵	اختلاف در اصالت و وظیفه و اصالت ساختار
۱۷۷	عوامل محیطی
۱۷۸	وجود فاصله زیاد میان «پایگاه رهبری» و «آوردگاه نهضت»
۱۷۹	میزان شناخت از غرب

تأثیر عوامل وابسته به محافل سکولاریستی ۱۸۱

۱. تفاوت در «زاویه دید» ۱۸۲

۲. دو نوع نگاه به مبارزه؛ ساده‌انگاران، حزم‌اندیشانه ۱۸۴

جمع‌بندی ۱۸۶

فصل ششم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۸۹-۱۹۹

منابع و مآخذ ۲۰۱-۲۰۶

اسناد تصویری ۲۰۷-۲۳۶

نامهای اشخاص ۲۳۷-۲۴۲

www.ketab.ir

مقدمه

مقطع زمانی جنبش عدالتخانه و مشروطه‌خواهی به دلیل طرح موضوعات جدید سیاسی در حوزه حکومت، از قبیل نوع رابطه با غرب، دادن امتیازات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به بیگانگان، قسری، آزادی‌طلبی، مبارزه با استبداد و مشروطه‌خواهی اهمیت زیادی دارد. طرح همین موضوعات جدید علمای شیعه را، که در متن اجتماع حضور داشتند و خود را از مردم جدایی‌دانش داشتند و آوار به عکس‌العمل می‌کرد، اما این عکس‌العمل در میان آنان اشکال متفاوتی به خود گرفت که در بیانات و مکتوبات و عمل سیاسی آنان نمایان گشت. علمای شیعه، در برهه زمانی موردنظر، در ابتدا به هنگام نهضت عدالتخانه در رد حکومت استبدادی و لزوم تبعید و تعدید آن موضعی واحد داشتند؛ اما بعداً با مطرح شدن مسأله مشروطه و طرح مسائل جدید، علما به لحاظ موضعگیری در مقابل حکومت به چند دسته تقسیم شدند. به عنوان نمونه شیخ فضل‌الله نوری و آقاجفی اصفهانی که هر دو از یادگاران و بازماندگان جنبش تبریز و تبریم تنباکو هستند و در جریان مهاجرت کبری به قم، با یکدیگر همراه و همدل و همدست بودند و در صدد تحقق بخشیدن به عدالتخانه و تحدید سیطره حکام جور، تلاش می‌نمودند. در مراحل بعدی یکی به مخالفت جدی و دیگری به موافقت محتاطانه از مشروطه رسیدند. در یک تقسیم‌بندی کلی در این مرحله علما به سه دسته تقسیم شدند که از آنها می‌توان با عناوین مخالف مشروطه و یا مشروعه‌خواه، موافق مشروطه و نیز جریان علمایی که سیاست سکوت را درگیرودار مشروطه‌خواهی اتخاذ کرده و بیطرفی اعلام نمودند یاد کرد.

از گروه اول می‌توان، به عنوان نمونه، به نامهایی چون «محمدحسین بن علی اکبر تبریزی» در تبریز، «مجتهد خمایی» در گیلان، «آخوند ملاقربانعلی زنجان» در زنجان و «شیخ ابوالحسن نجفی مرتدی» اشاره نمود و در رأس آنها نیز مرحوم «شیخ فضل الله نوری» در تهران قرار داشت. از گروه دوم، به عنوان نمونه، می‌توان از «سیدعبدالحسین لاری» در شیراز و «حاج آقا نورالله اصفهانی» و «آقا نجفی اصفهانی» از اصفهان و «میرزا علی ثقة الاسلام» از تبریز و محمد اسماعیل محلاتی غروی و میرزا محمد حسین نایینی از نجف نام برد. هر دو گروه مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه حامیان جدی در میان مراجع نجف داشتند؛ مرحوم سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی طرفدار جناح فکری مشروعه‌خواه و مرحومین آخوند ملا کاظم خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی و حاج میرزا حسین تجل یازا خلیل طرفدار جناح فکری مشروطه‌خواه بودند.

از گروه سوم نیز می‌توان در صاف مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان موضع بیطرفی اتخاذ کردند می‌توان به آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی و آیت الله میرزای شیرازی دوم اشاره نمود.

با توجه به اهمیت موضوع، آنگاه تعدادی در این زمینه نوشته شده است. یکی از کتابهای مهم و مناسبی که به موضوع در این حاکم مربوط است، کتاب *رسائل مشروطیت* (۱۸ کتاب و لایحه درباره مشروطیت) می‌باشد که توسط دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد جمع‌آوری شده است.

ایشان در این کتاب، در کاری بسیار ارزشمند و دشوار، رسائل نگاشته شده به قلم علمای مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه را گرد آورده و از این طریق، سعی بسیار غنی و مهم برای علاقه‌مندان به پژوهش درباره اندیشه‌ها و مواضع علما در قبال حکومت مشروطه و مفاهیم مرتبط با آن فراهم نموده‌اند. و در کنار این گردآوری، تحلیلی مبسوط نیز درباره مبانی اندیشه علمای مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه در مقدمه کتاب خود ارائه می‌دهد. این کتاب ویژگیهایی دارد که ضرورت تدوین پژوهشی مجزا درباره علما و مواضعشان در قبال حکومت را موجب می‌گردد.

اول آنکه، این اثر در حقیقت، مجموعه‌ای از رسائل دوران مشروطیت بوده، و فاقد جنبه تحلیلی جدی، به استناد مواد خام مندرج در آن، می‌باشد. دوم آنکه ایشان در بررسی و تحلیل مواضع علما در قبال حکومت در مقدمه کتاب خود به واسطه برش

تاریخی و توجه صرف به دوره مشروطه بدون توجه به قبل و بعد آن، نتوانسته است تصویر و تحلیل صحیح و جامع و به هم پیوسته‌ای از مواضع سیاسی اتخاذ شده از سوی علمای مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواه در قبال حکومت ارائه دهد. سوم آنکه، در این اثر، علمای مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواه به عنوان مجموعه‌ای بسیط در نظر گرفته شده‌اند و حال آنکه، بی‌تردید، ذیل عناوین علمای مشروطه‌خواه و مشروطه‌خواه، معجونی از مبانی و مواضع موجود است.

کتاب مهم دیگری که در زمینه پژوهش حاضر نوشته شده، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش آیدین مقیم عراق* می‌باشد. این اثر به قلم دکتر عبدالهادی حائری به زیور طبع آراسته شده و مؤلف سعی کرده واکنش رهبران مذهبی در برابر انقلاب مشروطیت را، چه از نظر درگیری و چه از حیث کمکهای فکری آنان در انقلاب، مورد بررسی قرار دهد. البته بررسی این موضوع در چارچوب فعالیتهای مشروطه‌خواهی و نوشته‌های سیاسی مرحوم نائینی صورت گرفته است و از این رو بخش اصلی کتاب به بیان زندگینامه و بررسی ریشه‌های فکری و اندیشه‌های مرحوم نائینی اختصاص دارد. با توجه به این موضوع، می‌توان اثر فوق را بهیچ‌تک‌نگاری «قلمداد کرد. کتاب دیگری که در زمینه رابطه علمای حکومت نگاشته شده، *آیدین و دولت در ایران: نقش علمای دوره قاجار*، می‌باشد. این اثر را پروفسور حامد الگار نوشته و به توسط دکتر ابوالقاسم سری به فارسی برگردان شده است. در این کتاب، نویسنده با بررسی عملکرد علمای در جامعه و علل همکاریها و مخالفت‌های آنها با حکومت در دوره صریح و پنهانی و مدتاً در دوره قاجاریه می‌پردازد. اما نکته جالب توجه که توجیهی بر لزوم تدوین کتاب حاضر می‌باشد این است که بحث علمای حکومت و در خلال آن پرداختن به مواضع حمایتی قبال حکومت در دوره موسوم به مشروطیت، حجم بسیار کمی از کتاب را به خود اختصاص داده است و در آن به مواضع علمای به صورت منسجم در قبل و بعد از مشروطه نیز اشاره نشده است.

از دیگر کتابهای ارزشمند نگاشته شده، *حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران* اثر دکتر موسی نجفی می‌باشد. این کتاب در دو بخش تدوین شده است. در دفتر اول این اثر، تحول تاریخی - اندیشه سیاسی در میان علمای نجف مورد بررسی قرار گرفته و در دفتر دوم، متن کامل رسائل و صحف سیاسی در حوزه نجف گردآوری شده است. این کتاب

هم، به صورتی غیرمستقیم، مواضع سیاسی مراجع و علمای مشروطه خواه نجف در برهه‌های زمانی قبل از مشروطه، استقرار مشروطه و مشروطه دوم را مورد بررسی قرار داده است و به بررسی مواضع علمای مشروعه‌خواه و مشروطه‌خواه در حوزه ایران نپرداخته است.

جدای از این چهار کتاب، که به عنوان نمونه به آنها اشاره شد، آثار فراوان دیگری نیز در زمینه مربوط به این پژوهش نگاشته شده که این آثار عمدتاً یا به صورت «تک‌نگار» است و یا آنکه درمقام مقایسه میان دو یا چند تن از علمای برجسته مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه می‌باشد.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به *تنبیح‌الامة و تنزیة‌الملّة* شیخ محمدحسین نائینی، *اندیشه سیاسی دکتر مهدت حاج آقا نورالله اصفهانی و حکم نافذ آقا نجفی اصفهانی* از دکتر موسی نجفی، *اندیشه سرزندگی سرخ (زمان و زندگی شیخ فضل‌الله نوری) و کارنامه شیخ فضل‌الله نوری*، پرسش و پاسخ از علی ابوالحسنی (منذر)، *شیخ فضل‌الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه)* نوشته مهدی انصاری، *مرگی در نور (زندگی آیت‌الله آخوندخراسانی)* اثر عبدالحسین مهیار، *زندگینامه شهید نیک‌نام ثقة‌الاسلام تبریزی* به قلم نصرت‌الله فتحی و *آیت‌الله سید عبدالحسین لاری و جنبش مشروطه‌خواهی* اثر دکتر محمدباقر وثوقی اشاره نمود. در میان مقالات نیز می‌توان از تک‌نگاریهایی چون «حیات و اندیشه سیاسی آخوندملا محمدکاظم خراسانی» در *رمان رقم تعالی و تطبیق آن بر نظام مشروطه* اثر علی‌رضا جهانشاهلو، «نظام‌سازی سیاسی بر اساس تأمین مشروعیت دینی از منظر سید لاری» به قلم ذبیح‌الله نعیمیان، «مبانی اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی ثقة‌الاسلام تبریزی در مکتوبات سیاسی با تأکید بر رساله‌های آیت‌الله» اثر عبدالرسول یعقوبی، «تصویر یک اصلاح طلب؛ سید محمدکاظم طباطبایی یزدی صاحب عروه» پرچمدار عرصه جهاد و اجتهاد اثر علی ابوالحسنی (منذر)، «اندیشه سیاسی نائینی» نوشته حجت‌الاسلام دکتر احمد بهشتی، «نائینی و دولت مشروطه» اثر محسن کدیور نام برد.

همچنین برخی از مقالات به صورت مقایسه میان آراء و مواضع تنی چند از علما می‌باشد و به صورتی همه‌گیر و منجسم، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از جمله این مقالات می‌توان به «حقیقت پنهان؛ خطای خاموش» اثر عبدالحسین خسروپناه و

«گذری بر دیدگاههای سیاسی شیخ فضل الله نوری و علامه محمدحسین غروی نائینی» نوشته شهاب شهیدانی اشاره کرد که، طی این مقالات، مبانی فکری و مواضع شیخ فضل الله نوری و محمدحسین نائینی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند.

علی‌رغم نگارش آثار متعدد که به برخی از آنها اشاره شد خلأ وجود اثری منسجم که مواضع علمای شیعه را نه به صورت موردی و مقطعی بلکه به صورت همه‌گیر و منسجم در سه برهه تاریخی «تهضت عدالتخانه»، «استقرار مشروطه و استبداد صغیر» و «حکومت» و «رروط» بپردازد، نشان دهد احساس می‌شد. کتاب حاضر با چنین هدفی تدوین یافته است. در این کتاب تلاش شده است که با بررسی دقیق مواضع علما در سه برهه مذکور، سعی از آن دست پاسخ داده شود که آیا نقاط اقتراق میان دیدگاه علمای مشروطه و سه برهه مشروطه‌خواه در مورد مسائلی چون استبداد، پارلمان، آزادی و... تا آن اندازه می‌باشد که برخی مثلاً از شیخ فضل الله نوری به عنوان «نظریه‌پرداز استبداد آسیایی حاکم بر ایران» یاد کرده‌اند و یا او را فردی «مرتجع و ضد ترقی» که «عالم روز» نیست معرفی نموده‌اند و در مقابل مشروطه‌خواهان را مخالف استبداد و موافق حاکمیت مردم قلمداد کنند؟ و یا اینکه نقاط اشتراک مبانی فکری به آن اندازه نیست که عنوان می‌شود و، در حقیقت، صف‌بندی اصلی می‌بایست، میان روشنفکران غربزده و روحانیت شیعه باشد و صف‌بندی میان علما صف‌بندی منطبق بر حقیقت نبوده و عوامل محیطی بر آن دامن زده‌اند و یا اینکه آیا مشروطه و مشروطه‌خواهی لفظی روشن بوده است و یا «مقوله‌ای چند پهلوی» و آیا طرفداران مشروطه از مسئله‌ای واحد حمایت می‌کرده‌اند و مواضعی یگانه در باب مجلس، قانون و آزادی داشته‌اند و یا اینکه هر کس از ظن خود یاری مشروطه می‌کرده است؟ در مقابل نیز آیا مشروطه‌خواهان مواضع واحد در رد این مقولات اتخاذ کرده بودند؟ و، به عبارتی دیگر، آیا ما با طیفی از علما در هر دو دسته مواجهیم یا نه؟

آنچه که در بررسی مواضع علمای شیعه می‌بایست در نظر گرفت، این نکته است که آنان در راستای صیانت از تشیع، اسلام و ایران متناسب با شرایط و خطراتی که هر یک از مقولات برشمرده در فوق را تهدید می‌کرد اتخاذ موضع می‌نمودند. در یک جمع‌بندی کلی و اصول حاکم بر مواضع آنان را اینچنین می‌توان فهرست نمود:

۱. صیانت از اسلام: بر هر مسلمان، به‌ویژه بر علما واجب است که از اسلام در مقابل انواع و اقسام تهاجمات دفاع نمایند. این مهم در رفتار سیاسی - فرهنگی علمای شیعه کاملاً آشکار است و آنان در راستای دفاع از اسلام، سرزمینهای اسلام و مسلمانان همواره پیشگام و پیشقدم بودند.

۲. صیانت از تشیع: یک عالم شیعه بر خود فرض می‌داند که از حریم تشیع دفاع نماید. از نظر او با هر عاملی که مرزهای تشیع را تهدید نماید می‌بایست مقابله کرد. به همین جهت برای تبیین اصول عمیق تشیع کمر همت بسته و در این راه از بذل جان نیز فروگذار نمی‌نماید.

۳. صیانت از ایران: حفظ ایران به عنوان قلب تپنده تشیع و جهان اسلام برای علما از موضوعیت بالایی برخوردار است. ایران شیعه‌خانه اهل بیت (علیهم‌السلام اجمعین) بوده و دفاع از آن اوج ایستادگی اصلی محسوب می‌شود. صدور فتاوی‌های جهادیه در دوران فتحعلی‌شاه و حسنعلی‌شاه بزرگ در جبهه‌های جنگ، هم دفاع از سرزمینهای اسلامی در مقابل هجوم کفار محسوب می‌شود و هم دفاع از ایران اسلامی - شیعی.

۴. مقابله با استعمار: بر اساس اصل اول، مقابله با استعمار اولویت مبارزاتی علمای شیعه محسوب می‌شود، آنجا که پای هجوم استعمار در میان است، پرداختن به حاکمیت قاجار موضوعی انحرافی قلمداد می‌گردد. هدف اصلی صیانت از ایران و اسلام و تشیع در مقابل تهاجم کفار است، مگر زمانی که حاکمیت داخلی هم‌راستا با استعمار حرکت کند، نظیر آنچه که در نهضت تنباکو رخ داد و در انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی (ره) با آن مواجه بودیم. همسویی پهلوی‌ها با استعمار - ملأامکان هر نوع تفکیکی را بین استبداد داخلی و استعمار خارجی از بین برد، لذا در بین استبداد داخلی به مثابه از بین بردن نفوذ و سلطه استعمار خارجی قلمداد شد. البته در مشروطیت عدم دقت لازم در همین اولویت‌شناسی و یا اختلاف بر سر این موضوع، اختلافاتی را در مواضع علما ایجاد کرد. برخی از بین بردن استبداد داخلی را به عنوان اولویت اصلی تشخیص دادند و عده‌ای دیگر دست استعمار را در پشت تحرکات برخی از گروه‌های ساختارشکن دیدند و ضمن تأکید بر اصلاحات بر لزوم مرزبندی با گروه‌های دیگر پای فشرده کردند.

۵. مبارزه با استبداد: همکاری با حکومت‌های جائز و غیرمعصوم (ع) برای علمای شیعه هیچ‌وقت به عنوان یک اصل مسلم و لایتغیر قلمداد نمی‌شد. الزاماتی نظیر حفظ جان و ناموس شیعیان، حفظ سرزمینهای اسلامی، مقابله با فرق ضاله و تفکرات ضداسلامی و ضدشیعی و... تعیین‌کننده حد و مرز ارتباط با حکام و حکومتها بود. در مجموع آنجا که علما دغدغه و تهدید جدی نسبت به تجاوزات بیگانگان احساس نمی‌کردند، سراغ حاکمیت داخلی آمده و حداقلهایی را برای آسایش مؤمنین، بالا بردن کارآمدی حاکمیت جهت مواجهه با تهدیدات خارجی، از بین بردن ظلم و ستم حاکمان طلب می‌کردند که البته با خیره‌سری حاکمان و عدم تمکین آنان در مقابل این درخواستی مشروع کار به نزاع می‌کشید، نظیر آنچه در نهضت تنباکو، نهضت مشروطیت، نهضت امام خمینی (ره) رخ داد.

۶. دفع افسد به افسد: بر اساس اصول پیش گفته و در شرایطی که معصوم (ع) و یا شخص مآذون از سوی ایشان در رأس حکومت نیست، باز برای صیانت از ایران، اسلام و تشیع، علما با اتکاء به این اصل سعی می‌کردند خطرات بزرگ را با تهدیدات کوچک‌تر دفع نمایند. عاقلانه‌ترین روش هنگام مواجهه با شرایط بسیار بد، تن دادن موقت به شرایط بد است و به عبارت بهتر بین بد و بدتر، در عاقلی از سر ناچاری بد را می‌پذیرد تا دچار شرایط بدتری نشود، تا پس از عبور از شرایط اضطرار تکلیف خوب را با بد روشن نماید. البته تشخیص اینکه چه مقوله‌ای بد یا بدتر محسوب می‌شود می‌تواند منجر به اختلاف نظر و اختلاف موضع‌گیری و رفتار در این خصوص شود که در مشروطیت دقیقاً با این شرایط مواجه شدیم. در مشروطیت امام خمینی (ره) با تعیین تحدید استبداد و اعمال اصلاحات موافق بودند و غالباً حتی نظام مشروطیت را نیز پذیرفتند، با آشکار شدن اقدامات ضددینی فرق ضاله بابیه و بهائیه و نیز روشنفکران غرب‌گرا، برخی از علما نظیر مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری، مشروطه‌خواهان غرب‌گرا را عضای فرق ضاله را که دخالت آنها در امور برایشان محرز شده بود افسد و نظام استبدادی را فاسد خواندند. از همین رو دفع آنان از دفع محمدعلی‌شاه از نظر ایشان مهم‌تر شد و اولویت یافت. برخی دیگر که هنوز دخالت فرق ضاله و عوامل استعمار برایشان در مشروطیت محرز نشده بود همچنان محمدعلی‌شاه را افسد و مشروطه‌خواهان غرب‌گرا را به جهت فقدان پایگاه مردمی و کمی نفرات آنان فاسد خوانده و بر دفع محمدعلی‌شاه پای

فشردند. این اختلاف نظر فقط در تشخیص مصادیق افسد و فاسد رخ داد و منجر به مواضع دوگانه علما در عصر مشروطه شد. مرور مواضع علمایی که محمدعلی شاه را در مشروطیت اول افسد می خواندند، پس از آشکار شدن فتنه غرب گرایان ساختارشکن و اعضای فرق ضاله در مشروطیت دوم آشکار می سازد که آنان نیز مانند دسته اول علما به اهمیت و خطر غرب گرایان و فرق ضاله پی برده و آنان را افسدتر و اشنع تر از استبداد محمدعلی شاهی دانسته و تمام هم خود را برای دفع آنان به کار بردند.

۲. استفاده از خیرالموجودین: در شرایطی که حکومت معصوم (ع) و یا حکومتی که از سوی آنان اذن داشته باشد زمام امور را در دست نداشته باشد، باز عاقلانه ترین کار این است که از بهترین های موجود استفاده کرد. بهترینهای موجود در عصر قاجار کسانی بودند که و سنگ به استعمار نداشته و با اسلام و تشیع نیز سر ستیز نداشته باشند و بتوانند همان خداقوت را برای صیانت از اسلام و ایران و نیز امنیت و آسایش و رفاه مردم فراهم نمایند. در چنین شرایطی کار کردن با افرادی نظیر عضدالملک قاجار برای علما بسیار راحت تر از تعامل با نقیز زده، ابن السلطان، حیدرخان عمواغلی، پیرم خان ارمنی، اردشیرجی، صوراسرافیل، مسرات سید جمال واعظ، ملک المتکلمین و... که هر یک سر بر آستان قدرتی می سائیدند و دل در گزین طرحهای ساختارشکنانه و خانمان برانداز داشتند، بود. توجه به این اصول در رفتار سیاسی علما می تواند بسیاری از نکات مغفول در تاریخ معاصر را آشکار و به بسیاری شبهات پاسخ دهد. خور بدهد.

در پایان لازم می دانم از زحمات محقق گرامی جناب آقای دکتر فرزاد جهان بین به خاطر تألیف این کتاب و تلاش برای ارائه پاسخی منسجم و منطقی به این سؤالات و سؤالاتی از این دست قدردانی نموده و ابراز امیدواری نمایم که اثر حاضر بتواند در ارائه نگاهی جامع نسبت به تحولات عصر مشروطه از عدالتخانه تا کودتای رضاخان، بی دریغ رسانی.

موسی فقیه حقانی

تابستان ۱۳۹۱